



محور اول: از جنگ ۱۲ روزه تا امروز — چه تغییر کرده است؟

در تابستان سال جاری، مواجهه‌ای مستقیم میان ایران و اسرائیل رخ داد؛ جنگ تقریبی ۱۲ روزه که زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی ایران تحت حمله قرار گرفت. اما آنچه مهم است این که این جنگ نقطه پایان نبود؛ بلکه نقطه آغاز یک دوره جدید. ایران در این جنگ نه نابود شد و نه اسرائیل به امنیت کامل رسید؛ اما موازنه قدرت جابه‌جا شد. از آن پس، شاهد فشار مضاعف بر «شبکه نیابتی» ایران در لبنان، سوریه، عراق و یمن هستیم؛ و این یعنی جنگ بعدی الزماً در مرزهای ایران نیست، بلکه در عمق ساختار نفوذ ایران در منطقه است. در همین زمان نیز، اقتصاد ایران با مشکلات عمیق روبرو شده؛ تحریم‌ها، کاهش صادرات نفت، تورم بالا — همه دست به دست داده‌اند تا ایران را در داخل آسیب‌پذیرتر کنند. بنابراین محور اول این است: جنگ ۱۲ روزه «تنها» نبرد موشکی نبود، بلکه نقطه آغازی برای مرحله جدید مهار ایران است.

محور دوم: گزارش «۲ هزار موشک» و بازتعریف توان ایران

مطابق گزارش‌های منتشرشده، ایران در حال تعریف مجدد شاخص بازدارندگی خود است؛ برداشت گزارش The New York Times این است که ایران نه صرفاً می‌خواهد جنگ دوم را تجربه کند، بلکه می‌خواهد مهارت شلیک انبوه — مثلاً دو هزار موشک در یک موج — را داشته باشد تا سامانه دفاعی اسرائیل را اشباع کند. این تحلیل، دو نکته مهم دارد:

اولاً، ایران به علت فشار بر بازوهای نیابتی‌اش ناچار است روی «شلک‌های مستقیم از خاک ایران» بیشتر متکی شود؛ ثانیاً، این هدف بزرگ‌تر به معنای «افزایش ریسک پاسخ» است، چرا که وقتی کشور دیگری بخواهد موجی بسیار بزرگ و ناگهانی را شلیک کند، نشانه «حمله قریب‌الوقوع» است. برای شما مهم است که این را بیان کنید: ایران در داخل دارد می‌گوید «ما انتخاب کرده‌ایم موج اول را سُرسام کنیم»، و این برای اسرائیل و آمریکا یک چراغ قرمز است.

محور سوم: آیا هدف اسرائیل تغییر رژیم است یا مهار؟

از منظر رسمی، اسرائیل اعلام کرده که هدفش سرنگونی فوری رژیم ایران نیست؛ بلکه مهار برنامه هسته‌ای، زیرساخت موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران است. به عبارتی: «سِرِهرم را هدف نمی‌گیریم، بازوها را جدا می‌کنیم.» از سوی دیگر، تهران روایت متفاوتی دارد؛ جمهوری اسلامی احساس می‌کند در معرض تهدید «وجودی» است و بارها از نقشه‌های ترور رهبران خود سخن گفته است. در اینجا تحلیل شما این است:

استراتژی اسرائیل (و تا حدی آمریکا) در حال انتقال از «تغییر رژیم» به «ضعیف‌سازی افقی شبکه نیابتی» است، چون هزینه تغییر رژیم بسیار بالا و نامعلوم است. این کار هم‌زمان با تضعیف حلقه‌های نفوذ ایران انجام می‌شود، نه لزوماً حمله مستقیم به تهران.



November, 10, 2025

در نتیجه، وقتی شما در برنامه می‌گویید «اسرائیل به جای این که رأس را بزند، شاخه‌ها را قطع می‌کند»، مخاطب متوجه می‌شود که این فقط یک جنگ موشکی نیست، بلکه جنگ ساختاری است.

محور چهارم: نقش آمریکا و احتمال جنگ مستقیم ایران . آمریکا

آمریکا، همزمان با اسرائیل، نشان داده که سناریوهای مختلف را نگه داشته است: کمک‌های تسلیحاتی ویژه، فشار بر مسیرهای لجستیکی ایران، و آمادگی برای مداخله در صورت لزوم. با این حال، سیاست رسمی واشنگتن بر این مبناست که «ما دنبال جنگ نیستیم، بلکه دنبال مهار هستیم.»

وقتی به زاویه نیروهای نیابتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که آمریکا در عراق، سوریه و یمن - به‌ویژه مسیرهای تأمین مالی، انبارهای سلاح و انتقال موشک - نقش دارد. این یعنی آمریکا در عمل وارد عرصه «جنگ نیابتی ضد ایران» شده است، حتی اگر مستقیم وارد نبرد نشده باشد.

نتیجه آن که: احتمال جنگ مستقیم ایران و آمریکا در کوتاه‌مدت کمتر است، اما «جنگ تدریجی با نیابتی‌ها» به‌وضوح آغاز شده است؛ و این برای تهران یعنی کاهش فضای مانور و افزایش هزینه استراتژی منطقه‌ای.

محور پنجم: تضعیف نیروهای نیابتی؛ بازوهای ایران در تیررس

پیش از این هم به این موضوع اشاره کردم، اما در اینجا تمرکز می‌کنیم بر این که چرا این محور برای آینده تعیین‌کننده است: شبکه سیاسی. نظامی ایران در لبنان (حزب‌الله)، یمن (حوثی‌ها)، عراق و سوریه، ده‌ها هزار نیرو دارد، انبار سلاح دارد، و قدرت تأثیرگذاری منطقه‌ای اش دارد. اسرائیل و متحدانش می‌بینند که «تحمل ادامه این وضعیت» برای نظم منطقه‌ای و برای مسیر تجاری و انرژی، غیرقابل ادامه است.

در نتیجه، به‌صورت هدفمند دارن «بازوها را می‌زنند»: حملات هوایی به جنوب لبنان، ضربه به انبارهای حزب‌الله، هدف گرفتن مراکز لجستیکی گروه‌های نیابتی در عراق و سوریه، فشار بر حوثی‌ها در یمن.

در کنار این، داخل ایران نیز مردم به‌خاطر آن که حس می‌کنند «ثروت کشور جای دیگری خرج می‌شود» و معیشت‌شان رو به سقوط است، ناراضی شده‌اند. گزارش‌ها می‌گویند اعتراض‌های مردم، بازنشستگان، کارگران، کشاورزان، معلمان، به‌صورت فزاینده دارد به خواست تغییر رژیم نزدیک می‌شود.

بنابراین این را باید بگوییم:

"تضعیف بازوها یعنی ایران دیگر نمی‌تواند با هزینه کم، در منطقه اخلاص کند؛ و این نشانه آغاز فرایندی است که حکومت را از داخل تضعیف خواهد کرد."

جمع‌بندی نهایی: تاریخ مصرف جمهوری اسلامی به پایان رسیده است؟

در پایان، می‌خواهم با وضوح بیشتری نتیجه بگیرم:



November, 10, 2025

- جمهوری اسلامی ایران امروز با فشار هم‌زمان بیرونی و درونی مواجه است: از بیرون، اسرائیل و آمریکا و متحدان منطقه‌ای در حال مهار و تضعیف نفوذ منطقه‌ای آن هستند؛ از داخل، اقتصاد در بحران است، تورم شدید است، خدمات عمومی رو به افت است، و مردم احساس می‌کنند حکومت دیگر نمی‌تواند از عهده وظایف خود بربیاید.
- نیروهای نیابتی ایران در منطقه که زمانی ابزار قدرت تهران بودند، اکنون تحت فشارند، و این یعنی ابزار اصلی «قدرت نفوذ منطقه‌ای» در حال تحلیل است. اگر ابزار تحلیل شود، خود ساختار قدرت می‌تواند آسیب ببیند.
- مردم ایران – چه در شعارها، چه در تجمعات – بیش از همیشه «خواست آزادی، عدالت، و تغییر ساختاری» دارند؛ خواستی که دیگر فقط محدود به اعتراض اقتصادی نیست، بلکه به تغییر اساسی نظام معطوف شده است.
- بنابراین می‌توان گفت: «تاریخ مصرف این رژیم به پایان رسیده». نه به این معنا که فردا حتماً فروپاشی رخ می‌دهد، بلکه به این معنا که مسیر ادامه دادن وضع موجود دیگر برای حکومت، پایدار نیست؛ و اگر تغییر نیابد، گزینه مقاومت اجتماعی و سیاسی و منطقه‌ای جدیدی برای مردم و منطقه پدید می‌آید.
- پیام من برای مخاطبان: ایران فردای متفاوتی را پیش‌رو دارد؛ اگر حکومت تحول نکند، تغییر رژیم نه تنها خواست مردم ایران، بلکه خواست بسیاری از کشورها و بازیگران منطقه‌ای خواهد شد. نباید این را با اغراق بگویم بلکه با واقع‌بینی: روندها نشان می‌دهد دوران «نفوذ بی‌حد ایران از طریق نیابتی‌ها» به انتها رسیده و روند «مهار، کاهش، درون‌ریزی بحران» آغاز شده است.

سخن پایانی

در خاتمه، به عنوان جمع‌بندی نهایی می‌گوییم:

ما در نقطه تحولی قرار داریم؛ نقطه‌ای که در آن، بازیگرانی چون اسرائیل و آمریکا انتخاب کرده‌اند که مسیر «مهار قدرت ایران» را از مسیر «تغییر رژیم فوری» جایگزین کنند؛ و در داخل ایران، مردم با فشار اقتصادی، فساد، ناکارآمدی و فقدان آینده روشن مواجه‌اند. وقتی بازوهای نفوذ ایران در منطقه تضعیف شوند، وقتی مردم ایران دیگر به امید تحول درونی نظام دل نبندند، و وقتی جامعه ایران به تغییر ساختاری فکر کند، آن وقت می‌توان گفت: جمهوری اسلامی که پنجاه سال حکومت کرده بود، وارد دوران پایانی قدرتش شده است.

من امروز این تصویر را با شما مرور کردم و امیدوارم گفتگوهای شما در فضای رسانه‌ای و گفت‌وگو با مخاطب، به روشن‌تر شدن این روند کمک کند.

به امید فردایی بهتر برای همه ایرانیان و منطقه.

مترجم: **فرمانی**

November, 10, 2025